

## تاریخ اجتماعی شیعیان ایران در دوره تیموریان با تأکید بر آداب و رسوم مذهبی

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۱۵ تاریخ تأیید: ۹۲/۱۰/۱۱

مهدی یکه‌خانی\*

**چکیده:** تاریخ اجتماعی به عنوان شاخه‌ای نو از مطالعات تاریخی و نوعی فهم از تاریخ در مقام تحلیل و تبیین حوادث به گرایش‌های فکری و ویژگی‌های اخلاقی و سبک و سیاق زندگی عامه به عنوان یک عامل اثرگذار بر روند حوادث تکیه می‌کند. این مقاله با تکیه بر آداب و رسوم به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم تاریخ اجتماعی بر آن است تا با ارائه گزارش از زندگی اجتماعی شیعیان در قلمرو تیموریان که از جهت مکانی شامل تمامی مناطقی که تیموریان بر آن تسلط داشتند و از جهت زمانی در قرن نهم و کمی قبل و بعد از آن می‌باشد نقش شیعیان را در تحولات تاریخی مهمی همچون روی کار آمدن صفویه و رسمی شدن مذهب تشیع در سرتاسر ایران از آن جهت که نیازمند بستر مناسب اجتماعی در ایران می‌باشد نشان دهد. بنابر این پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از اینکه آداب و رسوم مذهبی شیعیان در دوره تیموریان چگونه بوده است؟ برای دست یافتن به پاسخ این پرسش از روش سندپژوهی بهره گرفته شده است و با استفاده از تکنیک‌های متعارف تاریخ‌پژوهی و استخراج داده‌ها و سنجش آنها بهره گرفته شد. اجرای آزادانه آداب و رسوم اجتماعی و مذهبی توسط شیعیان و گسترش نمادهای تشیع در دوره تیموریان حکایت از پویایی و قدرت اجتماعی شیعیان در ایران دارد. از سوی دیگر ادبیات مذهبی شیعیان در این دوره به طور قابل ملاحظه‌ای رشد کرد به گونه‌ای که ادیبان و شاعران پارسی‌گوی شیعی مذهب و حتی غیر شیعی در گسترش مضامین شیعی نقش ایفا نمودند.

واژه‌های کلیدی: تاریخ اجتماعی - شیعیان - تیموریان - آداب و رسوم - نمادهای مذهبی

### مقدمه

منظور از تاریخ اجتماعی نوعی فهم از تاریخ است که در مقام تحلیل و تبیین حوادث به گرایش‌های فکری و ویژگی‌های اخلاقی و سبک و سیاق زندگی عامه مردم به عنوان یک عامل اثرگذار بر روند حوادث تکیه می‌کند.

اما شیعیان که همان پیروان اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند که به ترویج و عمل به مکتب اهل-بیت علیهم‌السلام شناخته می‌شوند. منظور از دوره تیموریان قرن نهم و کمی قبل و بعد از آن می‌باشد که از جهت مکانی شامل بخش‌هایی که تیموریان بر آن مناطق تسلط داشته‌اند و یا حداقل حاکمان مناطق خود را تابع ایشان می‌دانستند می‌شود یعنی قلمرو قراقویونلوها، آق قویونلوها، مرعشیان، آل کیا و مشعشعیان. اما منظور از آداب و رسوم یکی از مؤلفه‌هایی که نقش اجتماعی شیعیان را در دوره تیموریان برجسته می‌کند، می‌باشد.

### ویژگی‌های تاریخ اجتماعی (الویری، ۱۳۸۶)

تاریخ اجتماعی دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشد:

- تاریخ اجتماعی نگاهی خرد به حوادث و رویدادهای تاریخی از جانب مردمان عادی جامعه دارد به گونه‌ای که اگر جامعه به مثلی تشبیه گردد که در راس آن حاکمان قرار دارد در تاریخ اجتماعی به ضلع پایین جامعه که از مردمان عادی تشکیل شده است پرداخته می‌شود.

- در تاریخ اجتماعی بر خلاف تاریخ سنتی به جای حاکمان به عامه مردم توجه می‌شود.
- نگاه محقق تاریخ اجتماعی به لایه‌های زیرین و مخفی حوادث تاریخی بیشتر است تا به لایه‌های سطحی و ظواهر رویدادهای تاریخی
- در تاریخ اجتماعی بیشتر روابط مردم با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد هرچند رابطه مردم با حکومت و جهان غیرانسانی نیز مد نظر می‌باشد. زیرا فهم و تحلیل جامع از مسائل اجتماعی بدون بررسی سیاست و اقتصاد که غالباً در تاریخ جوامع بدست مردمان عادی نبوده و یا کمتر نقشی داشته‌اند ممکن نیست.

### مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی (همان)

منظور از مؤلفه همان اجزای تشکیل دهنده تاریخ اجتماعی و یا به عبارت دیگر مصداق عینی می‌باشد که در اینجا به عنوان نمونه به چند مؤلفه اصلی در تاریخ اجتماعی اشاره می‌نماییم.

#### سبک زندگی

مراد الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح است. مؤلفه‌های سبک زندگی به اختصار عبارت‌اند از: ۱. شیوه تغذیه (شامل نوع غذاهای مصرفی و مواد به‌کار رفته در آن، شیوه نگهداری مواد غذایی یا غذای خاص یک منطقه) ۲. خودآرایی (پوشاک، مد و...) ۳. نوع مسکن (شامل معماری، دکور، اثاثیه و...) ۴. وسایل حمل و نقل ۵. شیوه‌های استفاده از اوقات فراغت

۶. رفتارهای فردی (منظور رفتارهایی است که انسان برای بیان احساسات، عواطف و... انجام می‌دهد).

#### نمادهای غیر زبانی

یعنی نشانه‌هایی که پیامی را به دیگری منتقل می‌کند. (آبرکرامبی، ۱۳۷۰، ص ۳۸۵) نمونه‌هایی از نمادهای غیر زبانی عبارت‌اند از: پرچم، لباس و ابزارهای اطلاع‌رسانی مثل طبل، شیپور و... . در این مقوله آن‌چه یک قوم ابداع می‌کند حائز اهمیت است، مثل کلاه (یا عمامه) ابداعی - اختصاصی قزلباش‌ها که دوازده گره داشته است.

#### نمادهای زبانی

این مولفه خود شامل دو قسم کتبی و شفاهی است. نمادهای زبانی کتبی، مثل متن کتیبه‌ها، نوشته روی سنگ قبرها، مقبره‌ها، سکه‌ها و... . نمادهای شفاهی، مانند ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها، اسطوره‌ها، الفاظ وارداتی و تکه کلام‌هایی که در مدت کوتاهی رواج پیدا می‌کند. اطلاعات شفاهی مربوط به تاریخ اجتماعی در مقایسه با نمادهای کتبی، بیشتر است، زیرا گوینده، اولاً: چون در تحولات حضور داشته یا با واسطه آن را نقل می‌کند و مهارتی در تاریخ‌نگاری ندارد آن‌چه دیده و فهمیده است بیان می‌کند و سعی می‌کند فضا را به گونه‌ای ترسیم کند تا شنونده خوب آن را بفهمد. ثانیاً: سطح فکری جامعه آن زمان را روشن می‌سازد. ثالثاً: بیان‌کننده سطح مشارکت مردم در وقایع است و... . در مولفه شفاهی هرچه گوینده در رده‌های پایین‌تر و دورتر از چهره‌های اصلی باشد، بهتر می‌تواند ما را به تاریخ اجتماعی خود برساند.

## آداب و رسوم

مثل جشن‌ها، عزاداری‌ها، بازی‌ها، مراسم مراحل مختلف زندگی انسان، مانند تولد، ختنه کردن، مدرسه، جشن تولد، ازدواج و مرگ. هم‌چنین در این بخش می‌توان به آداب پزشکی متداول میان شیعیان اشاره نمود، به عنوان مثال، توسل به اولیا، زیارت و نذر برای شفا گرفتن.

### کارکرد اجتماعی نهادهای غیراجتماعی

مانند مؤلفه بالا از موارد مشترک میان اجزای تاریخ اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن است. مانند کارکرد نهاد بازار و دانشگاه و حوزه علمیه.

## آداب و رسوم مذهبی شیعیان در قرن نهم

### ۱- منقبت خوانی و مدیحه سرایی

از جمله رسوم رایج در قرن پنجم و ششم در ایران که در مراکز شیعی و غیر آن رواج داشته منقبت‌خوانی و مدیحه‌سرایی است. (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۸۲۰) کتاب النقص عبدالجلیل قزوینی رازی که در پاسخ‌گویی به کتاب بعض فضایح الروافض از شهاب الدین تواریخی شافعی نوشته شده است اطلاعات دقیقی از این رسم در ایران به ما می‌دهد. (براون، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۸۰)

قزوینی از قول مؤلف فضائح می‌نویسد: «... و در بازارها مناقب خوانان گنده دهن، فرا داشته‌اند که ما منقبت امیرالمؤمنین می‌خوانیم و همه قصیده‌های پسر بنان رافضی و امثال او می‌خوانند و جمهور روافض جمع می‌شوند؛ همه وقیعت صحابه پاک و خلفای اسلام و غازیان

دین است و صفات تنزیه که خدای راست جلّ جلاله و صفت عصمت که رسولان خدای راست و قصّه معجزات که اَلّا پیغمبران خدای را نباشد، شعر کرده می‌خوانند و به علی ابوطالب می‌بندند» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸، ص ۶۵)

و نیز از وی آورده است که: «... و مغازی‌ها می‌خوانند که علی را بفرمان خدای تعالی در منجینق نهاده و بذات السّلاسل انداختند تا به تنهایی، آن قلعه را که پنج هزار مرد درو بود، تیغ زدن بستند و علی در خیبر، به یک دست برکنند، دری که به صد مرد از جای خود بجنبانیدندی و بدستی می‌داشت تا لشکر، بدان گذر می‌کرد و دیگر صحابه از حسد بر علی، بر آن در، آمد و شد می‌کردند تا علی خسته گردد و عجزش ظاهر گردد». (همان ص ۶۷)

در ادامه عبدالجلیل قزوینی به فضائل خوانان اشاره می‌کند که اهل تسنّن برای مقابله با مناقب خوانی شیعیان این گروه را ایجاد کردند و فضایل خوانان «برای وام نان، بایستی چند در دشنام رافضیان از بر کرده و در سرمایه گرفته و مسلمانان را دشنام می‌دهد و لعنت ناوجه می‌کند و آنچه می‌ستانند بخرابات می‌برد و به غنا و زنا می‌دهد». (همان ص ۶۵)

قزوینی درباره محتوای فضائل خوانی در جای دیگر می‌گوید: «... مغازی‌های دروغ و حکایات بی اصل، وضع کردند در حق رستم و سهراب و اسفندیار و کاووس و زال و غیر ایشان ... تا ردّ باشد بر شجاعت و فضل امیرالمؤمنین و هنوز این بدعت باقی مانده است که به اتفاق امت مصطفی، مدح گبرکان خواندن بدعت و ضلالت است». (همان ص ۶۷)

مؤلف فضائح هنگامی که قصد مناقب خوانان را گمراهی عامه (اهل تسنن) بیان می‌کند، عبدالجلیل قزوینی در جواب می‌گوید: «... دروغی ظاهر و بهتانی عظیم است و دلیل بر این آنست که اگر غرض این بودی از خواندن مناقب، بایستی که به قم و کاشان و آبه و بلاد مازندران و سبزوار و دیگر بقاع که آلا شیعه نباشند، نخواندی و معلوم است که آنجا بیشتر خوانند». (همان ص ۷۷)

در الفهرست منتجب الدین، ابوالمفاخر رازی به عنوان مداح معرفی شده است که مقتلی به شعر درباره عاشورا دارد و اشعار آن را ملاحسین کاشفی در روضه الشهداء آورده است. (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۸۲۲)

در قرن نهم مناقب خوانی و سرودن اشعار در مدح و منقبت حضرت علی علیه السلام و اولاد ایشان رواج و شیوع فراوان داشت و در تأیید این مطلب می‌توان به محمدبن حسام خوسفی شاعر قرن نهم که در میان تمامی شاعران فارسی‌گوی در منقبت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و بیان حماسه دینی بی همتاست، اشاره کرد. (سالک بیرجندی، ۱۳۷۲، صص ۹۶-۱۰۳) در قرن نهم می‌توان شاعران منقبت‌گوی دیگری همچون سلیمی تونی، امیر شاهی، درویش ناصر بخاری، عصمت بخاری و نظام استرآبادی را نام برد. (صفا، ۱۳۶۵ ج ۴، صص ۲۰۱-۴۶۳)

دامنه شعر منقبتی در قرن هشتم و نهم تا اندازه‌ای است که به راحتی می‌توان دلایل توفیق بعدی صفویان در نشر تشیع در ایران را درک کرد. (جعفریان، ۱۳۸۲)

## ۲- زیارت

ساخت و تعمیر بقاع امامزادگان و پراکندگی آنها در سرتاسر ایران در دوره تیموریان نشان دهنده جایگاه زیارت در میان ایرانیان خصوصاً شیعیان در قرن نهم می‌باشد (یکه خانی، ۱۳۹۲) و البته گسترش و نفوذ تصوف در ایران، اهل تسنن را نیز در همراهی و مشارکت در زیارت اماکن متبرکه با شیعیان ترغیب می‌نمود که به عنوان نمونه می‌توان به زیارت مزار گازرگاه در دوره تیموریان اشاره نمود. (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۳ ص ۳۶۹)

اما در قرن نهم سه مزار امام رضا علیه السلام در مشهد، امام علی علیه السلام در مزار شریف (مزار منسوب به حضرت علی علیه السلام در مزار شریف هرگز از طرف بزرگان شیعه به عنوان مزار امیرالمؤمنین علیه السلام مورد تأیید قرار نگرفته است. جهت اطلاع رک: فاطمی، ۱۳۸۴، صص ۹۹-۱۱۰) و حضرت معصومه (س) در قم مورد توجه حاکمان تیموری در ایران بود که گزارش‌های فراوانی از زیارت‌های پادشاهان تیموری همچون شاهرخ، الغ بیک، ابوالقاسم بابر، حسین بایقرا و ابوسعید از مشهدالرضا علیه السلام نقل شده است. (آژند، ۱۳۷۹، ص ۳۰۲)

## کلاویخو در سفرنامه‌اش می‌نویسد:

مشهد شهر عمده زیارتی همه این حوالی است و سالانه گروه بی‌شماری به زیارت آن می‌آیند. هر زائری که به آن جا رفته باشد، چون بازگردد، همسایگانش نزد او می‌آیند و لبه قبای او را می‌بوسند، چون دریافته‌اند که وی از زیارت چنین محل محترمی بازگشته است. چون به این شهر [مشهد] رسیدیم ما را برای زیارت این مکان مقدس و آرامگاه بردند. سپس چون در ایران راه می‌پیمودیم و بر سر زبان‌ها افتاده بود که ما به زیارت مشهد مشرف شده و آن مکان مقدس را دیده‌ایم، مردم همه می‌آمدند و لبه قبای ما را بوسه می‌زدند، به این بهانه



که ما از گروهی هستیم که فیض زیارت مرقد و بارگاه قدیس بزرگ خراسان را درک کرده‌ایم. (کلاویخو، ۱۳۷۴، ص ۱۹۲)

همچنین فرمان تولیت آستانه حضرت معصومه توسط جهان شاه قراقویونلو شاهدهی بر اهمیت زیارت در قرن نهم می‌باشد. (دائرة المعارف تشیع، ۱۳۷۳، ج ۱ صص ۱۷۹-۱۸۲)

آداب و رسوم مربوط به زیارت در قرن نهم به صورت آشکار حتی توسط حاکمان نیز رعایت می‌شد. موارد ذیل قسمتی از گزارش‌های تاریخی مربوط به آداب زیارت می‌باشد:

در سال ۸۶۰ هـ ق میرزا بابر به قصد زیارت مشهد الرضا علیه السلام حرکت کرد و کتاب حبیب السیر گزارش می‌دهد که:

«... بحمام رفته و غسل فرموده بلوازم زیارت روضه منوره رضویه قیام نمود و سده آن عتبه کعبه مرتبه را به صلات و نذورات نوازش کرد و در بابت انتظام مهام رعایا و غوررسی ضعف و فقرا شرایط سعی و اهتمام بجا می‌آورد» (خواندمیر، ۱۳۸۰ ج ۴ ص ۵۶)

در رابطه با زیارت قبر امام رضا علیه السلام توسط شاهرخ آمده است که: «بعد از تقدیم مراسم زیارت و شرایط تعظیم و تبجیل در احترام و توقیر و اکرام سادات معظم و اولاد مکرم او هیچ دقیقه نامرعی نگذاشت» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۳ ص ۱۱۸) و در جای دیگر آمده است که:

«بندگی حضرت شرایط زیارت به تقدیم رسانیده صدقات و نذورات به ارباب استحقاق رسانید، از جمله نذورات قندیلی از طلا ساخته سه هزار مثقال، در گنبد مرقد سلطان بیایختند و حضرت مهدی اعلی مخدومه خواتین جهان مسجد جامعی که پیشتر در آن موضع متبرک به عمارت آن اشارت عالیه نفاذ یافته بود، اکثر عمارات آن در این تاریخ به اتمام

رسیده بود... و به چند عمارت دیگر در اطراف آن اشارت عالیه - خلدالله سلطنتها - به نفاذ

پیوست» (همان، ج ۴ صص ۶۹۳-۶۹۲)

و در سال ۸۶۴ سلطان ابوسعید تیموری «شرایط زیارت و مراسم ضراعت به جای آورد و در جمیع مزارات انواع صدقات و اصناف مبرآت به درویشان رسانید و خواطر ایشان را به انعام عام شادان و خرم گردانید» (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۴ ص ۸۷۹)

آنچه از این گزارش‌های تاریخی به دست می‌آید موارد ذیل را می‌توان شمرد:

- زیارت امام رضا علیه السلام در این دوره به صورت گسترده رواج داشته است
- مراسم استقبال از زائران و بوسیدن گوشه قبای زائر امام رضا علیه السلام
- احترام برای زائر امام رضا علیه السلام حتی غیرمسلمان برخلاف ادوار بعدی
- ادب و احترام ویژه حاکمان و سلاطین برای مرقد امام رضا علیه السلام چه برسد به عوام شیعه
- انجام غسل پیش از زیارت و استلام قبر امام علیه السلام به همراه ادای نذورات و صدقات
- دادن نذورات شامل هدایای گران‌بها و نفیس برای استفاده در حرم امام رضا علیه السلام
- اکرام سادات خصوصاً سادات رضوی در مشهد مقدس
- زیارت کردن امام رضا علیه السلام بصورت یک مراسم همراه با تشریفات خاصی توسط حاکمان

### ۳- سوگواری عاشورا

مراسم عزاداری برای اباعبدالله الحسین علیه السلام از سالیان دور در میان شیعیان رواج داشت و این مراسم با اشکال و شیوه‌های مختلف قبل از قرن نهم به صورت مرثیه خوانی، مقتل خوانی و دسته عزاداری اجرا می‌شد؛ مرثیه نخستین قالب بیان تعزیه بود. سراینده در شعر خود ضمن

آنکه همدردی سوگواران را برمی‌انگیخت احساسات خویش را بیان می‌کرد. (محرمی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۹)

در همین بستر در قرن پنجم و ششم منقبت‌خوانی به وجود آمد و مناقب‌خوانان در مجامع عمومی اشعاری را در فضیلت ائمه اطهار علیهم‌السلام و مظلومیت و مراثی امام حسین علیه‌السلام قرائت می‌کردند. (ناصری داوودی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱)

مقتل‌خوانی که عبارت بود از بیان مظلومیت شهیدان کربلا در قالب نثر یا همان مقتل - خوانی از قرن چهارم گسترش یافت. (محرمی، همان)

تألیف کتاب‌هایی با عنوان مقتل در همین راستا بود و انگیزه تألیف، گریاندن بود و برای ثواب فضیلت‌گریه بر امام حسین علیه‌السلام احادیثی را که نقل شده است می‌آوردند و واعظان در روز عاشورا در منابر ذکر مصیبت امام حسین علیه‌السلام می‌کردند و این عمل مختص شیعه نبوده و عالمان اهل سنت نیز در روز عاشورا مصیبت امام حسین علیه‌السلام را ذکر می‌کردند. (همان ص ۲۹۰)

درباره دسته عزاداری نخستین گزارش مربوط به سال ۳۵۲ قمری در بغداد می‌باشد که به دستور معزالدوله بویه‌یی برگزار گردید. (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۱، ص ۲۴۳؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲۶ ص ۱۲)

اما در دوره‌های بعد تا زمان صفویه گزارشی از دسته عزاداری به صورتی که آل بویه در بغداد برگزار می‌کردند، نیست. اما مراسم عزاداری در محافل شیعیان برگزار می‌گردید چنانکه قزوینی از قول مؤلف فضائح آورده که: «این طایفه در روز عاشورا اظهار جزع و فرح می‌کنند و

رسم تعزیت را اقامت کنند و مصیبت شهدای کربلا تازه گردانند بر منبرها، قصه گویند و علما سربرهنه کنند و عوام جامه چاک کنند و زنان روی خراشند و مویه کنند» (قزوینی، ۱۳۵۸، ص ۳۷۰) و در همین کتاب آمده است که علاوه بر مناطق و شهرهای عراق در بسیاری از مناطق ایران چون: ری، قزوین، قم، آبه، نیشابور، سبزوار، جرجان و شهرهای مختلف مازندران عزاداری امام حسین علیه السلام به طور آزاد برگزار می شده است. (همان، ص ۷۸)

مرثیه خوانی مختص شیعیان نبوده و اشعار بسیاری در مرثیه امام حسین علیه السلام از سوی شاعران اهل سنت موجود است. طریقت‌های تصوّف که اکثرشان به نوعی خود را مربوط به علی علیه السلام می دانستند عزاداری سالیانه واقعه عاشورا و ذکر مظلومیت امام حسین علیه السلام را از مهمترین نموده‌های دوستی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله می شمردند. (محرمی، همان، ص ۲۸۸) چنانکه دکتر شبی در توصیف طریقت نقشبندی هرات می گوید:

«گریه برای امام حسین علیه السلام جانشین مجلس ذکر صوفیانه - که نقشبندیان آن را ملغی کرده بودند - شده بود» (شبی، ۱۳۷۴، ص ۳۶۲)

در قرن نهم و پیش از آن بسیاری از عالمان و واعظان بزرگ اهل تسنن در روز عاشورا، مصیبت امام حسین علیه السلام را ذکر می کردند و مردم را به گریه وا می داشتند. این مطلب در کتاب النقض قزوینی منعکس شده است. (قزوینی، همان، صص ۳۷۳-۳۷۰)

سیط ابن جوزی عالم بزرگ اهل تسنن نیز در کتاب تذکره الخواص گزارش‌هایی از ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام نقل کرده است. (ابن جوزی، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۴۵)

علاوه بر آنچه ذکر شد تألیف و انتشار کتبی به نام مقتل در ادوار مختلف که مهمترین مقتل فارسی همان روضه الشهداء کاشفی در قرن نهم می‌باشد موجب گسترش و رواج عزاداری امام حسین علیه السلام در میان ایرانیان چه شیعه و چه سنی پیش از عصر صفوی شد. کاشفی در مقدمه روضه الشهداء به این مطلب اشاره کرده است. (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۸۲۵)

#### ۴- جشن غدیر

شیعیان روز عید غدیر به مناسب تعیین امیرالمؤمنین علی علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان جانشین و امام جشن می‌گرفتند و شادی می‌نمودند چنانچه گزارش‌هایی از برپایی این جشن در قرن چهارم توسط آل بویه در بغداد آمده است. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ق، ج ۸، ص ۵۸۹؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ق، ج ۱۴، ص ۱۹۶) مؤلف النقص نیز در برگزاری عید غدیر در شهر آبه اشاره کرده است. (قزوینی، همان، ص ۱۹۹)

علاءالدوله سمنانی (درباره او بنگرید به: نفیسی، ۱۳۳۳، صص ۳۶۲-۳۵۸؛ سیلاوی، ۱۳۷۹، صص ۱۳۱-۱۲۱) که از بزرگان تصوف در ایران بود در حالی که سب شیعه به صحابه پیامبر را محکوم می‌سازد، اعتبار حدیث غدیر را در باب تعیین علی علیه السلام به جانشینی پیامبر تأکید می‌کند و بر آن است که علی علیه السلام استحقاق بیشتری از سه خلیفه اول برای جانشینی پیامبر دارد. (عنایت، ۱۳۷۲، ص ۷۴)

آثار فراوان عالمان شیعی در موضوع غدیر (بنگرید به: احمدی بیرجندی، ۱۳۸۰) ما را به عظمت روز عید غدیر در نزد شیعیان رهنمون می‌سازد و به طور یقین برگزاری جشن عید غدیر در مراکز شیعی ایران مرسوم بوده است. (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۸۲۷)

مدرسه پریزاد مشهد که توسط ندیمه گوهرشاد در سال ۸۲۰ق ساخته شده است وقف نامه‌ای دارد که در سال ۸۲۳ق تنظیم شده است و در آن درباره عایدات مزارعی که جهت مدرسه وقف شده اند آمده است: «... سهم اوّل را می‌باید یوم مبارک غدیر نهار به خدام سرکار فیض آثار امام ثامن علیه السلام بدهند و سهم ثانی را به طلاب علوم دینیه قسمت نمایند و...» (پسندیده، ۱۳۸۳، صص ۱۶-۱۵)

#### ۵- رسم انتظار فرج

اعتقاد به مهدی موعود و در همین راستا اندیشه و باور انتظار فرج پس از دوران غیبت یکی از ارکان عقاید شیعیان امامی بوده است و بروز و ظهور مهدیان دروغین و یا کسانی که دیگران درباره ایشان ادعای مهدویت کرده‌اند را می‌توان بر همین اساس تفسیر نمود. سیدمحمد فلاح (م ۸۶۶) و سیدمحمد نوربخش (م ۸۷۰) که هر دو از شاگردان ابن فهد حلی (م ۸۴۱) بودند دو جریان مهم مهدی‌گرایانه در میان شیعه امامیه را ایجاد نمودند. یکی بانی سلسله مشعشعیه در خوزستان و جنوب عراق و دیگری بانی نحله نوربخشیه در ایران و هند شد. (جعفریان، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹)

به هر صورت می‌توان گفت اندیشه و جریان مهدویت در قرن نهم بسیار پررنگ و پرشور در ایران توسط شیعیان پیگیری می‌شد. یکی از آداب و رسوم شیعیان که قبل از قرن نهم مرسوم بوده است، مراسم انتظار بود.

در گزارش معجم البلدان و آثار البلاد قزوینی از ابوالعباس احمد بن علی بن بابۀ القرشی که پس از سال ۵۰۰ هجری وفات نموده آمده است: او جمعی از علویان بلاد خود را دیده که به مذهب امامیه اعتقاد دارند و هر روز صبحگاهان در انتظار آمدن قائم هستند. آنها به انتظار صرف اکتفا نمی‌کنند بلکه همگی بر اسب سوار شده، سلاح بر گرفته و از قریه‌های خود برای استقبال امام خارج می‌شوند، اما وقتی از آمدن آن حضرت نا امید شدند باز می‌گردند (حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴ ص ۲۹۷) و به یکدیگر می‌گویند که امروز هم نشد و همیشه در این انتظار می‌باشند. (قزوینی، ۱۳۷۳، ص ۵۰۲)

درباره خواجه علی مؤید سبزواری در قرن هشتم آمده است که: «به امید ظهور صاحب الزمان (عج) هر صباح و مساء انتظار می‌کشید» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳ ص ۳۶۶) «و هر بامداد و شب به انتظار صاحب الزمان (عج) اسب کشیدی.» (میرخواند، ۱۳۸۰، ج ۵ ص ۶۲۴)

مراسم انتظار حتی بعد از دوران مورد بحث نیز پیگیری شده است چنان که شاردن در اصفهان از این مراسم یاد کرده است: «... سپس به اصطبل‌های شاهی می‌رسیم که آنها را اصطبل صاحب الزمان می‌گویند. شاه این اسب‌ها را به امام دوازدهم بخشیده است. ایرانیان معتقدند که امام دوازدهم زنده و غایب است و روزی که خدا خواست ظاهر شده، دشمنان دین را از میان برمی‌دارد. بدین لحاظ همیشه در این طویله دو اسب زین کرده با افسار حاضر است تا امام هنگام ظهور سوار آن شود» (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴ صص ۱۴۹۲-۱۴۹۱)

به هر صورت می‌توان گفت برگزاری مراسم انتظار به گونه‌ای که مطرح شد در میان تمامی شیعیان میسر نبوده است اما رسم انتظار و باور اندیشه آن همیشه در تمامی ادوار در

میان شیعیان مطرح بوده است که به عنوان نمونه می‌توان به ظهور آن در میان اشعار شاعران شیعی مثل محمدبن حسام خوسفی در قرن نهم اشاره کرد.

مسخرنند برغبت وحوش و جنّ و طیور نه شیر شوزه بر آهو، نه باز بر زُر زُور و فوق جیدک قله بسیفک المأثور بنصرت تو شجاعان دین چو روز نشور شبان وادی ایمن بیا ز جانب طور بپرس تا به چه تغییر می‌دهند زبور که غایب است چرا هدهد از میان طیور	ظهور مهدی قائم که چون سلیمان بدور او نتواند که پنجه بگشاید بپوش درعه ی جدّ شریف و درع پدر تو از حجاب برون آی تا برون آیند شب است و در گله گرگ و سحاب طوفان بار بیا بمسند داوودی ای خلیفه ارض تفقّدی بکن ای آصف سیلیمان قدر (خوسفی، ۱۳۶۶، صص ۲۲۹-۲۳۸)
--	---

#### ۶- اظهار بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام

بیزاری از ظلم و ستم همیشه در میان ایرانیان مطرح بوده است و در ادوار مختلف به صورت قیام‌ها و حرکت‌های اجتماعی ظهور کرده است که بخشی از آن توسط شیعیان در قالب جریان مهدویت بود که به آن اشاره شد. شاعران که زبان گویای مردم بودند با بیان ظلم و ستم، خشم و کینه خویش را نسبت به آن آشکار می‌نمودند چنانکه ابن حسام خوسفی می‌سراید:

جهان فساد گرفت ای دریغ اهل صلاح چراغ صومعه افروز را ز دود کنشت	بر آفتاب علو می‌کند شب دیجور نماند صفوت تاب و برفت رونق نور
---	--



خطا و زلت و عصیان به غایتی برسید  
خطا و زلت و عصیان به غایتی برسید  
ربا و خمر و زنا و عقوق و ترک عقوق  
که زنده رشک برد بر فتای اهل قبور  
حمایت طرف باطل و شهادت زور  
اگر چه کردن آن واجب است بر جمهور  
(خوسفی، همان، ص ۲۳۷)

پس از گسترش تشیع در ایران، عقاید و باورهای شیعیان امامی (اثنی عشری) هم نهادینه شد که یکی از عقاید مهم امامیه که بر آن تأکید داشتند برائت و بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بود که در بعضی از مصادیق با نظریه عدالت صحابه در نزد اهل تسنن در تقابل بود.  
(عسکری، ۱۳۷۳، صص ۱۶۲-۱۲۹)

اما تقیه مانع از درگیری‌های مذهبی میان شیعیان و اهل تسنن می‌شد و در مواردی که تقیه رعایت نمی‌شد، درگیری ایجاد می‌شد چنانچه در بغداد دوره آل بویه بارها میان شیعیان و اهل تسنن درگیری ایجاد شد. (یکه خانی، ۱۳۸۸، صص ۴۸-۴۷)

اعلام بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بیشتر در دوره‌هایی صورت می‌گرفت که شیعیان قدرت پیدا می‌کردند. مثل آنچه ابن اثیر درباره سال ۳۵۱ قمری نوشته است که:

«در ماه ربیع الآخر آن سال شیعیان بغداد به امر و دستور معزالدوله این اشعار را بر دیوار مساجد نوشتند که صورت آن چنین است [لعن الله معاویه بن ابی سفیان و لعن من غصب فاطمه رضی الله عنها فدکا و من منع من آن يدفع الحسن عند قبر جده علیه السلام و من نفی اباندر الغفاری و من اخرج العباس من الشوری] ... اما خلیفه که بی اختیار و قادر بر منع آن کار نبود...» (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ش، ج ۲۰ ص ۲۵۶)

در دوره مورد بحث (قرن نهم) با توجه به حاکمیت سنیان و حضور تیموریان حنفی و نمایندگان ایشان در اکثر مناطق ایران می‌توان حدس زد که اکثریت شیعیان برخلاف دوره صفویه و پاره‌ای از ادوار گذشته که حاکمان شیعی حضور داشتند از سبّ و لعن خلفا به صورت علنی پرهیز می‌کردند چنانچه نویسنده فصول الحق درباره وضعیت شیعیان در فاصله زمانی دویست ساله میان سلطان محمد خدابنده و شاه اسماعیل صفوی می‌گوید: «که چون او (محمد خدابنده) به جوار رحمت حق واصل شد، شیعه متواری کنج خمول شده، تقیه شیوه خود نمودند تا آن که پادشاه فریدون جاه... شاه اسماعیل الصفوی الحسینی ظهور نمود» (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۶۹۴)

شاعری همچون محمدبن حسام خوسفی که در تشیع او تردیدی نیست چنین می‌سراید:

خلفا را نبوده ام منکر	نیستم بر این گناه مُصر
در خلافت کسی که حق دارد	منکر اهل حق بود مدبر
سرّ هر کس خدای می‌داند	نیست کس جز خدای واقف سرّ

وجود چنین اشعاری سبب شده که حاجی خلیفه در کشف الظنون، ابن حسام را حنفی مذهب بداند در صورتی که با بررسی فضای فکری و اندیشه‌های مذهبی قرن نهم می‌توان به تفاوت شیعیان این دوره و دوره صفویه که حاجی خلیفه کتابش را تألیف نموده است، پی برد. (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۰)

همان طور که پیش از این اشاره شد در دوره تیموریان مقتل خوانی و عزاداری برای امام حسین علیه السلام گسترش یافت و یکی از ویژگی‌های شعر عاشورایی در این دوره، بدگویی و لعن دشمنان امام حسین علیه السلام بود که این مطلب اختصاص به شیعیان نداشت. (کاووس حسن لی و غلامرضا کافی، ۱۳۸۶، صص ۶۲-۶۰) البته مقاومت‌هایی وجود داشته است و بعضی سنّیان متعصب از لعن یزید خودداری می‌کردند اما در مقابل اکثریت اهل تسنّن و بزرگانی چون جامی که از سنّیان معتدل شمرده می‌شدند در لعن یزید با شیعیان هم‌داستان بودند چنان که نقل شده است که

«در زمان میرزا بابر فقیهی دانشمند سمرقندی مولانا مزید نام به هرات آمده بود. روزی ایشان (عبدالرحمن جامی) در مجلس میرزا بودند و مولانا مزید نیز حاضر بود. میرزا از او پرسید که در لعن یزید چه می‌گویی؟ گفت روا نیست زیرا که از اهل قبله بوده. میرزا روی به ایشان (جامی) کرد و گفت مولانا مزید خود این می‌گوید، شما چه می‌گویید؟ گفتند ما می‌گوییم صد لعنت بر یزید و صد دیگر بر مزید!» (صفا، ۱۳۷۸، ج ۴ ص ۵۷)

عدم رعایت بعضی از مقررات مذهبی همچون تقیه توسط عده‌ای از شیعیان در مناطقی که اهل تسنّن حضور داشتند موجب عکس‌العمل آنان می‌شد و نزاع و درگیری صورت می‌گرفت که در واکنش به این رفتار شیعیان و اهل تسنّن، جامی می‌گوید:

ای مغ بچه از مهر بده جام میم  
گویند که جامیا چه مذهب داری؟  
کامد ز نزاع سنّی و شیعه قیم  
صد شکر که سگ سنّی و خر شیعه نیم  
(همان، ج ۸ ص ۵۹۷)

به عنوان نمونه شخصی به نام سیدعلی واحدالعین از قاین در شهر هرات حضور داشته است که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است و در شیوه واعظی و سخنان مسجّع و نثر و نظم ید طولائی داشته است.

«در روز عید اضحی سید واحدالعین در عرصه مصلی بر منبر آمده اعلام اضلال و اظلام نصب کرد و زبان به طعن سنّی مذهبان و تقویت اباطیل شیعه... دراز بگشاد، جمعی از یکجهت‌ان مذهب سنّت و جماعت از سر حمیت جوش برآورده، از عیدگاه برخاستند و با شور و شغب به جانب بارگاه پادشاه پاک مذهب روان گشت و... در کوچه از عربده سید مفتن وقف یافت، فوجی را فرمان داد تا او را از منبر فروکشیدند به خواری تمام» (اسفزاری، ۱۳۳۹، ج ۲ ص ۳۳۹)

و در گزارش دیگری از هرات در زمان میرزا بابر آمده است که: «و در این فرصت حسن سیرباف لوند باطلی در هرات سبّ شیخین کرد، مقویان دین محمد ﷺ او را گرفته زبانش سوراخ کردند و ریسمان درکشیده گرد بازارها برآوردند و به فتوا و حکم شرع او را آویختند» (همان، ص ۱۸۳)

این رفتار شیعیان در سبّ شیخین و ناسزاگویی به اهل تسنّن در مرکز حکومت یعنی شهر هرات که عالمان و بزرگان اهل تسنّن در آن حضور داشتند حکایت از نفوذ و گسترش تشیع و حمایت حاکمان از ایشان داشت. البته حاکمان نیز برای حفظ قدرت و نظم و امنیت مجبور بودند در مقابل عده‌ای از شیعیان با شدت برخورد نمایند.

## ۷- مراسم نهم ربیع

شیعیان در شهر کاشان و برخی دیگر از شهرهای شیعه جشنی به نام جشن نهم ربیع برگزار می‌نمودند که به گفته شوشتری (متولد ۱۰۱۹ ق) در کتاب مصائب النواصب این کار مورد تأیید علما نبوده و در زمان او، این عمل در کاشان متروک شده است. (شوشتری، ۱۳۸۴، ج ۲ ص ۲۴۲)

هر چند تاریخ آغاز این مراسم روشن نیست، اما دلیل برپایی آن مربوط به قتل خلیفه دوم توسط ابولؤلؤ دانسته شده است. اکنون مکانی در کاشان به عنوان مدفن ابولؤلؤ وجود دارد که محل برگزاری جشن نهم ربیع بوده است. (البته فرستادن ابولؤلؤ توسط امیرالمؤمنین(ع) به کاشان افسانه‌ای بیش نیست بنگرید: مشکانی سبزواری، ۱۳۸۹) سیدبن طاووس (متولد ۶۶۴) در کتاب الاقبال بالاعمال با تردید علت جشن شیعیان را قتل خلیفه می‌داند و در ادامه به ولایت امام مهدی(عج) با توجه به وفات امام حسن عسکری علیه السلام در روز هشتم ربیع الاول اشاره می‌کند:

«فیکون ابتداء ولایة المهدی علیه السلام علی الامة یوم تاسع ربیع الاول فلعل تعظیم هذا الیوم و هو یوم تاسع ربیع الاول لهذا الوقت المفضل و العنایة لمولی المعظم المکمل»  
(سیدبن طاووس، ۱۳۷۶ ش، ج ۳ صص ۱۱۴-۱۱۳)

اما داستان ابولؤلؤ و انتقال او به کاشان توسط شاعران در قرن هفتم و هشتم اشاره گردیده است چنانکه نصره علوی رازی شاعر قرن هفتم درباره امام علی علیه السلام می‌گوید:

آن علیی کاسیابانی ز یثرب داریش برد در یک شب به کاشان چون عدو را خوار داشت

و شاعر دیگری در همان دوره به نام حمزه کوچک در یکی از قصائدش، به جشن نهم ربیع اشاره کرده است:

<p>خنک روان ابولؤلؤ شجاع زمان به ضربتی که زد آن مرد پاک دین در آس چو بود باور دین رسول و یار علی هلاک دشمن دین مرد دین داری است کنون نشاط کن و شادی زی و عشرت ساز بساز آلت چنگال در نهم ز ربیع مدام صورت عیش و نشاط و کام و مراد</p>	<p>که بر سرای نبوت رسوم قنبر داشت اساس شادی آل نبی معمر داشت امان و مرحمت کردگار یاور داشت خوشا کسی که به حق این حدیث باور داشت چو حق تعالی ابولؤلؤ مظفر داشت چو ایزدت همه فتح و ظفر مقرر داشت خدای عزوجل شیعه را مخمر داشت</p>
--	---

(جعفریان، ۱۳۹۰، صص ۸۳۶-۸۳۵)

#### ۸- نماز جمعه

جدای از بحث و اختلاف علمای شیعه درباره حکم نماز جمعه در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام گزارش‌هایی از اقامه نماز جمعه توسط شیعیان وجود دارد چنانکه قزوینی می‌نویسد:

«بحمدالله و منّه، در همه شهرهای شیعه، این نماز برقرار و قاعده هست و می‌کنند، با خطبه و اقامت و شرایط چنان که در دو جامع به قم و به دو جامع به آوه و یک جامع به قاشان و مسجد جامع ورامین و در همه بلاد شام و دیار مازندران و انکار این، غایت جهل باشد» (قزوینی، ۱۳۵۸، ص ۳۹۵) البته اینکه در مراکز اهل تسنن، شیعیان در نماز جمعه حضور پیدا نمی‌کردند مربوط به شرایط نماز جمعه می‌باشد و به این مطلب قزوینی از قول صاحب فضائح الروافض اشاره کرده است:

«رافضی نماز آدینه و نمازهای عید به مصلی گاه مسلمانان نکنند و گویند: موقوف است به آمدن امام...» (همان، ص ۵۵۱) و عبدالجلیل قزوینی این گونه جواب داده:

«به مذهب بوحنیفه اگر یکی پیشه‌ور در شهر نباشد، وجوب ساقط باشد؛ و به مذهب شافعی تا چهل نفس نباشند واجب نباشد؛ به مذهب شیعت نیز چنان است که امام معصوم باید که حاضر باشد یا قایم مقام او تا نماز آدینه واجب باشد، و گر به مذهب فریقین بی شرط واجب نباشد و خللی نکند به مذهب شیعه نیز چون اگر وجوب آن موقوف باشد بر شرطی، هم نقصانی نکند» (همان، ص ۵۵۲)

### نمادهای شیعیان

از نمادهای غیرزبانی می‌توان به کلاه دوازه ترک صوفیان خانقاه اردبیل و لباس سیاه نوربخشیان و از نمادهای زبانی میتوان به کتیبه‌ها، سنگ قبرها، سکه‌هایی با نشان شیعی، اشعار فراوانی با مضامین شیعی و خواندن خطبه همراه با اسامی ائمه معصومین علیهم‌السلام به اختصار اشاره کرد. (جهت اطلاع بیشتر رک: یکه خانی، ۱۳۹۲، فصل چهارم: آداب و رسوم شیعیان در دوره تیموریان)

### نتیجه‌گیری

اینکه نقش اجتماعی مردم ایران در بسط و گسترش تشیع بی بدیل و مهم است را می‌توان در همراهی مردم در قیام‌ها و حکومت‌های مستقل و بالاخره در تشکیل دولت

قدرتمند صفوی جستجو کرد. شیعیان در دوره تیموریان توانستند به راحتی به اجرای آداب و رسوم مذهبی خویش بپردازند.

ترویج نمادهای مذهبی تشیع توسط حاکمان در میان مردم نیز بر زندگی اجتماعی شیعیان تأثیر بسزایی داشت و شیعیان نیز از این فرصت بدست آمده نهایت استفاده را نمودند و در همین راستا می‌توان ظهور دولت قدرتمند صفوی همراه با رسمیت تشیع در ایران را پیگیری نمود.

### فهرست منابع

۱. آبرکرامی، نیکلاس (۱۳۷۰)، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران، چاپخش
۲. ابن اثیر (۱۴۱۲ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالصادر، ۱۳۸۵ ق، ج ۸ ص ۵۸۹؛ ابن جوزی، المنتظم، بیروت، دارالکتب العلمیه
۳. ابن اثیر (۱۳۷۱)، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی
۴. ابن جوزی (۱۴۱۸ ق)، تذکره الخواص، قم، منشورات رضی
۵. ابن کثیر دمشقی (۱۴۰۷ق)، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر، ج ۱۱
۶. ذهبی (۱۴۱۳)، تاریخ الاسلام، بیروت، دارالکتب العربی،
۷. احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۸۰)، جلوه‌های ولایت در شعر فارسی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی،
۸. اسفزاری، معین الدین محمد رمچی (۱۳۳۹)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، با تصحیح و حواشی و تعلیقات محمدکاظم امام، تهران دانشگاه تهران
۹. الویری، محسن (۱۳۸۶)، جزوه کلاسی درس تاریخ اجتماعی شیعه دوره تخصصی تاریخ تشیع سطح سه حوزه علمیه قم نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۷-۸۶
۱۰. براون، ادوارد (۱۳۶۷)، تاریخ ادبیات ایران از فردوسی تا سعدی، ترجمه فتح الله مجتبائی و غلامحسین صدری افشار، تهران، مروارید،



۱۱. پسندیده، محمود (۱۳۸۳)، چهار مدرسه موقوفه در دوره تیموریان و صفویان، مجله میراث جاویدان، سال دوازدهم، شماره ۴۸-۴۷
۱۲. سالک بیرجندی، محمد تقی (۱۳۷۲) جایگاه ابن حسام خوسفی در ادب پارسی، مجله میراث جاویدان، سال اول، شماره اول
۱۳. جعفریان، رسول، (۱۳۸۲)، مروری بر منقبت امامان علیهم السلام در شعر فارسی، مجله مشکوه، شماره ۷۸
۱۴. جعفریان، رسول، (۱۳۹۰)، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران، نشر علم
۱۵. جعفریان، رسول (۱۳۹۱)، مهدیان دروغین، تهران، نشر علم
۱۶. حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۸۰)، زبده التواریخ، چاپ کمال حاج سیدجوادی، تهران
۱۷. حموی، یاقوت (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، بیروت، دار صادر
۱۸. خواندمیر (۱۳۸۰)، حبیب السیر، تهران، خیام
۱۹. دائره المعارف تشیع (۱۳۷۳)، احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی، بهاءالدین خرمشاهی و دیگران، تهران، بنیاد خیریه و فرهنگی شط
۲۰. خوسفی، محمد بن حسام (۱۳۶۶)، دیوان محمد بن حسام خوسفی، به کوشش احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک، اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان خراسان
۲۱. قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، تهران، امیرکبیر
۲۲. سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، مطلع سعدین و مجمع بحرین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران
۲۳. سید بن طاووس (۱۳۸۳)، الاقبال بالاعمال الحسنه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
۲۴. سیلوی، محمد (۱۳۷۹)، شیخ علاءالدوله سمنانی، نشریه نامه پارسی، زمستان، شماره ۱۹
۲۵. شاردن (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس
۲۶. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۸۴)، مصائب النواصب، قم، دلیل ما
۲۷. شوشتری، نورالله (۱۳۶۵)، مجالس المؤمنین، تهران، کتابفروشی اسلامیة
۲۸. شبیبی، کامل مصطفی (۱۳۷۴)، تشیع و تصوف، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر
۲۹. صفا، ذبیح الله (۱۳۶۵)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، دانشگاه تهران
۳۰. عسکری، سیدمرتضی (۱۳۷۳)، ویژگیها و دیدگاههای دو مکتب در اسلام، ترجمه عطاء محمد سردارنیا، تهران، مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت
۳۱. علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۰)، ساختار اندیشه‌های مذهبی سده‌های هشتم و نهم و بازتاب آن در سروده‌های ابن حسام خوسفی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند، سال اول، شماره اول
۳۲. عنایت، حمید (۱۳۷۲)، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی
۳۳. فاطمی، سید حسن (۱۳۸۴)، امام علی یا امامزاده علی، وقف میراث جاویدان، ش ۵۲
۳۴. قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸)، نقض، تصحیح جلال الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی

۳۵. حسن لی، کاووس و غلامرضا کافی (۱۳۸۶)، ویژگیهای شعر عاشورایی از آغاز قرن چهارم تا پایان قرن نهم، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال شانزدهم و هفدهم، شماره ۶۱-۶۲
۳۶. کلاویخو (۱۳۷۴)، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی
۳۷. محرمی، غلامحسین (۱۳۸۲)، تاریخ عزاداری برای امام حسین علیه السلام، مجله تاریخ در آینه پژوهش، پیش شماره ۳
۳۸. مشکانی سبزواری، عباسعلی (۱۳۸۹)، ابولؤلؤ از حقیقت تا توهم، فصلنامه تاریخ اسلام، سال یازدهم، شماره اول و دوم
۳۹. میرخواند (۱۳۸۰)، روضه الصفا، به کوشش جمشید کیانفر، تهران
۴۰. ناصری داوودی، عبدالمجید (۱۳۷۸)، تشیع در خراسان عهد تیموریان، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی
۴۱. نفیسی، سعید (۱۳۳۳)، علاءالدوله سمنانی، نشریه یغما، شماره ۷۶
۴۲. یکه خانی، مهدی (۱۳۸۸)، جریان‌های سیاسی- اجتماعی امامیه و حنابله عهد آل بویه در بغداد، فصلنامه ره آورد اندیشه، قم، مرکز آموزش‌های علوم اسلامی، سال اول، شماره اول
۴۳. یکه خانی، مهدی (۱۳۹۲)، تاریخ اجتماعی شیعیان در دوره تیموریان با تأکید بر آداب و رسوم، ادبیات و مشاغل، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم